



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

مفاهیم قواعد جدید کفایت سرمایه برای مدیریت پورتفولیوی دارائیهای اعتباری

چکیده:

در طی چند سال گذشته یک بحث گسترده بین افراد متخصص و دانشگاهیان راجع به اینکه آیا یک روش مدیریت پورتفولیو می تواند با بانکها در مدیریت بهتر ریسک سرمایه کمک کند و اینکه چگونه روش مدیریت پورتفولیو برای سهام داران ارزش ایجاد می کند، وجود داشته است. در این مقاله، نویسندگان می گویند که چهار محرک وجود دارد که بانکها را ملزم می کنند که به هنگام مدیریت دارائی های اعتباری از حالت معاملاتی به یک روش که بیشتر شبیه به مدیریت پورتفولیو است حرکت کنند. این چهار محرک عبارتند از: تغییرات ساختاری در بازارهای اعتباری، ناکارآمدی انتقال ریسک به بازارهای وام دهی، افزایش سطح بدهی در ایالات متحده و تغییرات پیشنهاد شده برای کفایت سرمایه. نویسندگان در ادامه هیچ تغییر همزمانی در قواعد مربوط به کفایت سرمایه مشاهده نکردند به عنوان اولین قدم آنها به سمت همگرایی بین ریسک سرمایه و ترتیب سرمایه برای ریسک سرمایه حرکت کرده اند این

تغییرات مستلزم آن است که بانکها به تلاشهای خود برای ایجاد اولین کلاس از مهارتها و توانمندیهای مدیریت پورتفولیو شتاب دهند، به کسب بهترین روش مدیریت پورتفولیوی اعتباری از طریق فرصتهای جذاب برای ایجاد ارزش سهامداران و قادر شدن بانکها در رقابت موفقیت آمیز، پاداش داده می شود.

کلمات کلیدی: قواعد سرمایه، مدیریت پورتفولیو، ریسک اعتباری

1- دلایل عمل: نیاز به ایجاد توانمندیهای مفهومی مدیریت پورتفولیوی اعتباری

مدیریت ریسک اعتبار در معرض تغییرات عمده قرار گرفته است. این تغییرات باعث تحت تأثیر قرار گرفتن روند رقابت در بازارهای اعتباری، ایجاد فرصتهایی برای بانکهایی که اولین مزیت ها را حفظ می کنند، می شود.

یکی از فرصتهای ایجاد شده، حوزه مدیریت پورتفولیوی اعتباری است. در حالی که بسیاری از بانکها اولین تجربیات خود را با این مفهوم جدید ایجاد کرده اند و مسئولیت های سازمانی را برای اجرای آن تنظیم کرده اند ما تصور می کنیم که نیاز زیادی برای شتاب

دادن به این تلاشها وجود دارد علی الخصوص ما چهار محرک کلیدی را مشاهده می کنیم

که باعث حرکت سریع بانها به سوی یک موقعیت رقابتی تر میشود.

2- محرک کلیدی شماره 1: تغییرات ساختاری در بازارهای اعتباری

در طی چند سال گذشته بازارهای جهانی اعتباری تغییرات شگرفی داشته اند آنها اصولاً

مسیر و رقابت را در بازارهای اعتباری تغییر داده اند و استراتژی های جدیدی را برای حفظ

رقابت الزامی کرده اند ما چهار تغییر ساختاری مهم را شناسایی کرده ایم:

افزایش رقابت مخصوصاً در بازارهای اعتباری سطح پائین.

بطور کلی رقابت در بازارهای اعتباری بقا را افزایش داده است. علی الخصوص این مطلب

برای وام دادن به همکاران سطح پایین صحیح می باشد. «مثلاً تأمین مالی با بهره بالا» دو

گرایش برای این توسعه وجود دارد، اول بانکها سرمایه گذاری متعددی برای تأمین مالی

اهرمی و وام دهی بدون سرمایه گذاری وارد بازار شده اند، دوم بسیاری از بانکهای تجاری

در تلاش برای برآورده ساختن انتظارات ROE تحلیل گران سرمایه و سهام داران ، فعالیت های وام دهی خود را به بخش پایین تری از مقدار مجاز گسترش داده اند.

ریسک معاملات اعتباری : در طی 5 سال گذشته ، بازار برای خرید و فروش ریسک اعتباری ، چه از طریق مشتقات اعتباری و چه از طریق تعهدات وثیقه ای وام / بدهی <CLDS/CDOS> رشد فزاینده ای داشته است . این بازارهای جدید < مدیریت پورتفولیوی اعتباری را از یک روش اندازه گیری آکادمیکی به یک ابزار مدیریتی قوی که بطور فعال پروفایل ریسک / پاداش را شکل می دهد ، تبدیل کرده اند.

پیشرفت قابل ملاحظه در اندازه گیری ریسک اعتبار:

ظهور مقدماتی خرید و فروش ریسک اعتبار به صورت رشد سریع ابزارهای جدید اندازه

گیری ریسک اعتبار بود <همانند jpmorgan's creditmetrice credit sius se's

<creditRiskPlus or mckinsey's creditpoytfolio view

این ابزارهای جدید اندازه گیری اعتبار را برای دوروش اجرایی متنوع می کند . اول آنها به ایجاد شفافیت حول ریسک واقعی پورتفولیوهای وام دهی کمک می کند ، دوم آنها به کمی کردن ارزش روشهای دیگر مدیریت پورتفولیو همانند مبادله پورتفولیو یا بکار گیری مشتقات اعتباری کمک می کند .

سرمایه گزاران تمایل بیشتری را برای اعتبار نشان می دهند.

در طی چند سال گذشته سرمایه گزاران مؤسسه ای اشتیاق بیشتری را برای ریسک اعتبار نشان داده اند . امروزه ما طیف گسترده ای از خریداران ریسک اعتبار شامل صندوق بازنشستگی ، بیمه گران ، بیمه شوندگان و جوه انباشته و در برخی حالات بخشهای خزانه شرکت را مشاهده می کنند . این چهار تغییرات ساختاری تأثیر مهمی بر روی شکل گیری مجدد بازار های وام دهی دارنده بهترین نمونه های عملی آنها می هستند که از این تغییرات ساختاری برای تغییر از نمونه قدیمی «ایجاد کردن و نگه داشتن» و تعویض آن با یک روش فعال تر مدیریت پورتفولیو استفاده می کنند . این روش جدید تلاش می کند که بطور مثبت وضعیت ریسک/پاداش

پورتفولیو های وام دهی را تحت تأثیر قراردادده و همزمان با آن ناکارآمدی های پورتفولیو را حذف کند. به عبارتی فنی تر هدف آن است که پورتفولیو های وامدهی تا آنجایی که ممکن است به مرز کارآمدی که بوسیله دو بعد «ریسک» و «پاداش» ایجاد شده است نزدیک شود.

3- محرک کلیدی شماره 2: فرصتهایی برای حذف ناکارآمدها در بازار وادهی .

پورتفولیو های وادهی بعلت استفاده آنها از ریسک سرمایه اغلب ناکارآمد هستند ، دلایل برای این ناکارآمدها زمانی روشن می شود که مقایسه ای بین ریسک انتقال در بازار وام دهی با صنعت وام دهی انجام گیرد. (شکل 1 را ببینید)

بازار بیمه دارای یک سیستم بسیار حرفه ای و چند لایه از ایجاد ریسک و انتقال آن می باشد . در مجموع هدف آن این است که از ریسک ناخواسته به شکل یک رویداد مخاطره ای واحد یا انواع مخاطرات به هم پیوسته اجتناب شود. قلب این سیستم متکی بر یک روش مدیریت پورتفولیو است که به صورت تلویحی به نتایج توزیع زیان توجه دارند بنابراین شرکتهای اولیه بیمه ریسک کلیه پورتفولیو را مورد بررسی قرار داده و لایه ها یا بخشهایی

از ریسک را که می بایست منتقل شوند را مشخص می کنند. برای جذب این بسته ای متمرکز شده ریسک ، ما یک لایه اضافی از انتقال ریسک را به فرم شرکت هایی که مجدداً بیمه شده اند تعریف می کنیم . ماهیت کلی و تنوع این پورترفولیوها شرکت هایی که مجدداً بیمه شده اند را قادر می سازند تا ریسک های متمرکز شده یا فوق العاده را جذب کنند همانند یک زمین لرزه یا سایر پوشش های فاجعه ای دیگر . شرکت هایی که مجدداً بیمه شده اند مجدداً تلاش می کنند تا از طریق مبادله ریسک ها با یکدیگر «یعنی retrocessions» یا اخیراً انتقال ریسک به بازارهای سرمایه «مثلاً اوراق CAT» کارایی پورترفولیوی خود را افزایش دهند .

در صنعت بانکداری، ریسک موضوعی کاملاً متفاوت است. عمدتاً بانکها ریسک اعتبار را ایجاد و آنرا بطور کامل جذب می کنند . این روش که عموماً به آن یک روش «ایجاد نگهداری» می گویند شامل لایه مختلف ریسک که از صفت بیمه یافت می شود ، نمی باشد . بنابراین پورترفولیوی وام دهی بانکها اغلب نشان دهنده تمرکز بالایی از ریسک محلی

/ منطقه ای است . با اینحال ، تحلیل های یک کنیزی نشان می دهد که ریسک محلی اعتبار اغلب دارای همبستگی بالایی است که مزایای کسی به علت تنوع گران را برای بانکها در بازارهای محلی اعتبار ایجاد می کند (شکل 2) را مشاهده کنید.

بعلاوه ، بانکها عموماً دارای روابط وامدهی قوی با یک تعداد از شرکتهای بزرگ هستند که تراکم قابل توجهی از ریسک را به فرم نامهای واحد ایجاد می کند.

این دو عامل باعث می شود پورترفولیوهای اعتباری ناکارآمد همراه با نیاز به ریسک بالای سرمایه برای بیمه در مقابل رویدادهای آنها ایجاد گردد .

با این حال تغییرات ساختاری در بازارهای اعتباری - همان گونه که قبلاً گفته شده است - بانکها را قادر می سازد تا با موفقیت این ناکارآمدیها را مشخص کنند.

علی الخصوص ورود بازارها به معامله ریسک اعتباری و تمایل ریسک اعتباری سرمایه گذاران ، فرصتهای مناسبی را برای بانکها ایجاد کرده است که یک روش مدیریت پورترفولیو را انتخاب کنند . بانکهای حرفه ای تر پیشرفتهای قابل ملاحظه ای در کاهش

مؤثر ناکارآمدیهای پورتفولیو کرده اند. برای بانکهایی دارای تأخیر هستند چالشهای
استراتژیکی و رقابتی بیشماری وجود دارد.

4- محرک کلیدی شماره 3: افزایش سطح بدهی در آمریکای شمالی و وضعیت پیچیده برای

بانکداری CEO ها

مقادیر مطلق و نسبی بدهی برای بخش خصوصی و بدهی شرکتها به سطوح ثبت شده رسیده
بوده اند و در حال افزایش یافتن است اشکال 3 و 4 را مشاهده کنید. علی الخصوص بخش
بدهی با نرخ کمتر «junk» در ایالات متحده افزایش یافته است. در واقع برخی از بخشها در
بازار وامدهی با ریسک بالا به سطح بی سابقه ای افزایش یافته اند «مثلاً حسابهای حاشیه ای،
بدهی شرکتی با بازده بالا زیان اولیه تولید است اعتباری ایجادشده را تحت پوشش قرار می
دهد.»

با توجه به آنچه که اقتصاد جدید را احاطه کرده است و اقتصاد پویای قوی مشاهده
کنندگان کسی از بازار در مورد شرکای بازار در بکارگیری این بدهی نگران هستند.

در حالی که اینجا جای مطرح کردن این پرسش که اقتصاد جدید تا چه اندازه واقعیت پیدا کرده است و یا اینکه آیا ما می توانیم نرخ رشد فعلی اقتصاد را حفظ کنیم نیست ولی یکی از مشاهدات در رابطه با واقعی بودن آن می گوید که اگر در طی دو سال آینده ما یک کاهش اقتصادی را تجربه کنیم - یا حتی یک بحران اقتصادی - ما نه تنها وارد این دوره چالشی جدید با سطح مثبت شده بدهی می شویم بلکه با بخشی بی سابقه ای از بدهی سطح پایین یا «junk» مواجه می شویم .

با توجه به اینکه در آینده حساسیت خاصی به شرایط اقتصادی وجود دارد ، نتایج جدی می تواند بعد از نرخهای پیش فرضی و تلفات اعتباری ایجاد گردد .

تاریخ نشان می دهد که چنین اهرم بدهی همواره باعث عواقب وخیم بعدی می گردد. مثلاً

bubble-depression off و junk bond crisis 1989, japans realestate

1992 آنچه که موقعیت امروزی را پر مخاطره می سازد این است که بین نیروهای اقتصادی

محلی و جهانی یک وابستگی داخلی وجود دارد . شرایط بازار در سال 1998 در نظر

بگیرید در آن سال یک نمایش واضح از الگوهای همبستگی پیش بینی شده و وابستگی داخلی متقابل در بازارهای بین المللی سرمایه مشاهده شده. این الگوها باعث واکنشهای زنجیره ای می شود که بسیاری از مؤسسات مالی و سرمایه گذاران را متعجب می کند. ثابت شده است که روشهای مدیریت ریسک مؤسسات مالی در اثر موارد قادر به مشخص کردن این حالت همبستگی پیچیده و بغرنج نمی باشد.

برای روشن شدن وابستگی درونی نیروهای محلی و بین المللی امروزی اجازه دهید از یک مثال ساده برای مشخص کردن احتمال دینامیکهای تجارت استفاده کنیم. سناریو زیر نمونه ای از چندین حالتی است که باعث نتایج جدی برای بازارهای اعتباری می گردد.

هر واکنش بازار سهام (یعنی یک دگرسیون جزئی برای میانگین ارزشگذاری بلند مدت سهام) می تواند باعث کاهش هزینه کردن مصرف کننده (به علت تعداد مصرف کننده های با سرمایه گذاری بزرگ) و برای شرکتهایی با داراییهای عظیم مالی، کاهش درآمدهای شرکت گردد. از آنجائیکه هزینه کردن مصرف کننده یک عامل کلیدی و مهم برای رشد

آتی GDP است ، افت اقتصادی اکثراً غیر قابل اجتناب است . بنا براین درآمدهای شرکت ممکن است بطور مشخص کاهش پیدا کند که باعث بالاتر شدن هزینه های تأمین مالی می گردد . اینچنین نتیجه ای می تواند جریانهای پولی خارجی را معکوس کند که در حال حاضر بخش قابل توجهی از بدهی مالی محلی را تشکیل می دهند و در نتیجه مجدداً باعث کمتر شدن نرخ مبادله دلار «ایجاد فشار بیشتر و تورم ناشی از کسری تجاری ما» و افزایش نرخهای بهره می گردد این زمانی خواهد بود که یک حرکت ثانویه در مارپیچ به سمت پایین ایجاد گردد: افزایش نرخ بهره باعث ایجاد مجموعه ای از نکولها می شود که می تواند بانکها را در مصرفی استانداردهای سخت اعتباری «مصوبات کمتر و یا نرخهای بهره بالاتر» قرار دهد. بنابراین ، تعداد افراد ورشکسته نکولهای شرکت افزایش پیدا کرده و این حرکت مارپیچی شدت پیدا خواهد کرد.

مشخص کردن این چالشهای ریسک اعتباری مشکل است و بانکداری SCEO را با یک مشکل پیچیده مواجه می کند : اول ؛ منطقی به نظر می رسد که زمان بندی افت اقتصادی را

پیش بینی کرد. اگر مدیریت رده بالا اشتیاق خود را به یک اعتبار در همان ابتدا مطرح کنند ، این کار باعث قربانی کردن جریان ، ارزش درآمدی و ارزش سهامداران می شود . دوم حتی اگر مدیران رده بالا نخواهند اشتیاق خود را برای ریسک اعتباری «سطح پائین» کاهش دهند ، بکارگیری این استراتژی جدید با توجه به شرایط بازار فعلی مشکل خواهد بود. تحلیلگران تحقیقات سرمایه ای - آنهایی که استراتژی شرکت را به شدت تحت تأثیر قرار میدهند و سهامداران بیشتر به سمت بنچ مارکهای عملکردی که با توجه به ریسک اصلاح نشده اند، همانند رشد درآمد ، درآمد خالص یا ROE برای ارزشیابی عملکرد مدیریت بانک ، گرایش دارند «شکل 5 را مشاهده کنید» بنابراین یک استراتژی اعتباری معکوس برای بانک به احتمال زیاد همراه با «توصیه ای برای فروش» و کاهش قیمت‌های سهام و اعمال فشار خارجی بیشتر روی مدیران رده بالا خواهد بود .

معرفی یک روش مدیریت پویایی پورتفولیو می تواند به مشخص کردن چالشهای گسترده حاصل از مقدار بدهی بیشتر و مدیریت استراتژیکی پیچیده ای که با مشکل مواجه است ،

کمک کند. یک روش مدیریت پورتفولیو، مخاطرات واقعی یک پورتفولیوی وام دهی را بیشتر مورد توجه قرار می دهد (و در بسیاری از موارد این احتمال وجود دارد که این وضعیت های ریسک واقعی برای مدیریت رده بالا تعجب آور باشد) این روش می تواند بعنوان یک پلتفرم عمل کند که در آن مجموعه ای از انگیزه های استراتژیکی می توانند وضعیت مخاطره / پاداش ریسک دفتری اعتبار را مجدداً به حالت تعادل رسانده و مؤسسات جدیدی را ایجاد کرده و فرصتهایی را برای رشد با وضعیتهای ریسک قابل توجه فراهم آورد.

5- محرک کلیدی شماره 4: همگرایی بین ریسک سرمایه و سرمایه تنظیمی:

از آنجاییکه اولین اعلام پیشنهادات Basel برای کفایت سرمایه باعث ایجاد واکنشهای مهمی شده است، برخی از مشاهده کنندگان ادعا کرده اند که قواعد جدید نقص حاصل از التزام یک ریسک کاملاً توسعه یافته براساس روش سرمایه را حذف می کند. دیگران و عمدتاً نمایندگان بانکداری اروپائی، مطرح کردند که با توجه به کم بودن تعداد همکاران

اروپائی ، بانکهای اروپائی در این رابطه نسبت به رقبای ایالات متحده خود از مزایای کمتری برخوردار خواهند بود . گروه سوم مجدداً ادعا کردند که جزئیات عملیات حل نشده بسیاری وجود دارد که بکارگیری پیشنهاد جدید را نسبتاً مشکل کرده است. برای مثال پیشنهادی که آنها ادعا کرده بودند، فاقد یک تعریف منسجم در مورد آنچه یک مدل داخلی پذیرفته شده را ایجاد می کند ، بود .

اگر ما برای لحظه ای به عقب برگردیم و ماهیت تغییرات را بررسی کنیم می توانیم با تصور مثبت تری از قواعد جدید باسل مواجه گردیم پیشنهاد را میتوانیم بعنوان اولین مرحله از تغییر از روش بدون ریسک به یک روش ریسک وزن گذاری شده به هنگام تعیین کفایت سرمایه برای دارائی های اعتباری در نظر گرفته شود . خود این یک مرحله مهم به سمت موقعیت فعلی است که در آن بسیاری از بانکها عملیات خود را به سمت ریسک اعتباری سطح پائین تر گسترش می دهند و از نتایج اعتبار ساختار یافته برای قضاوت در مورد قواعد فعلی کفایت سرمایه استفاده می کنند.

هنگام بازبینی پیشنهادات جدید در مورد کفایت سرمایه لازم است به خودمان یادآوری کنیم که صرفه نظر از پیشرفتهای قابل ملاحظه ایجاد شده در اندازه گیری و مدل سازی ریسک اعتبار ماهنوز در ابتدای راهی هستیم که انتظار داریم مارا به درک کاملتری از ریسک اعتبار هدایت کند. برای مثال تصور یک مجموعه کاملاً متفاوت از قواعد برای کفایت سرمایه زمانی که پرسشهای بیشماری در مورد میزان پیشرفت بدون پاسخ مانده اند مشکل است :

آیا ما شرکا یا تسهیلات یا هر دو را ارزیابی می کنیم؟ اگر ما شرکا را مورد ارزیابی قرار دهیم چگونه تسهیلات بدهی ساختاریافته را که ممکن است باعث اختلاف ریسک بین شریک و تسهیلات گردد را اصلاح کنیم؟ چگونه ما میزان بازبایی مبادلات را که باعث افزایش جذابیت می شود را مشخص کنیم؟ آیا ما از یک نقطه زمانی یا یک سیکل در پروسه ارزیابی استفاده کنیم؟ از چند دسته ارزیابی کننده ما استفاده می کنیم؟

با توجه به لیست بلند پرشهای لاینحل در مورد موضوعات ریسک اعتبار، غیر واقعی یا حتی خطرناک است که انتظار یک روش کاملاً متفاوت را داشته باشیم. آنچه که بسیاری از وکلا آنرا مطرح می کنند این است که حتی قوانین جدید مرحله ای به سمت همگرایی دو

معیار سرمایه ای است که در طولانی مدت

پیامهای تناقضی را ایجاد می کند - سرمایه تنظیمی و سرمایه اقتصادی / مخاطره

یک استراتژی مشابه ممکن است زمان استفاده از سرمایه تنظیمی، جذاب بنظر آید و زمان تغییر به ریسک سرمایه به عنوان معیار مرتبط غیر جذاب باشد بنابراین پیشنهادات جدید مرحله ای در جهت دهی صحیح بوده و احتمالاً همراه بازبینی های اضافی بوده که در نهایت ممکن است به همگرایی کامل بین سرمایه تنظیمی و ریسک سرمایه منجر گردد. در مرحله همگرایی کامل تمامی بانکها ملزم خواهند بود تا به سمت یک روش مدیریت پورتفولیو حرکت کنند. بانکها به مدلهای حرفه ای نیاز خواهند داشت که به تعیین سطح ریسک

سرمایه لازم کمک کرده و آنها را قادر سازد تا اثر استراتژی های دیگر مدیریت ریسک سرمایه را شبیه سازی کنند .

بنابراین بانکها ممکن است بخواهند که از دوره زمانی تا همگرایی کامل برای آماده سازی خودشان و ایجاد توانمندیهای لازم استفاده کنند. بانکهایی که پذیرش یک روش مدیریت پورتفولیو را زودتر آغاز کرده اند نسبت به آنهایی که این کار را با تأخیر آغاز می کنند از مزایا برخوردار هستند در ادامه فاصله رقابتی بین رقبایی که دارای بهترین روش هستند در طی زمان افزایش خواهد یافت .

6- طراحی یک تابع مدیریت پورتفولیو.

هر چند نهادهای سازمانی متعددی درون بانکها به نام مدیریت پورتفولیو وجود دارد بسیاری از آنها از جنبه مدیریت ریسک ، کار مدیریت پورتفولیو را ناتمام می گذارند . برای برقراری یک شیوه مدیریت پورتفولیوی تمام عیار در یک بانک روشهای متعددی وجود دارد . بسیاری از پرسنلهای مهم سازمانی لازم است که مشخص شوند شکل 6 اولین

خلاصه مفهومی کارهای یک بخش مدیریت پورتفولیو را نشان می دهد از آنجاییکه بررسی کامل این موارد سازمانی خارج از چهارچوب این مقاله است ، ما می خواهیم تا این موارد مهم را حذف کرده و بر روی عملیات کلیدی و مسئولیتهایی که یک بخش مدیریت پورتفولیو نیاز بر انجام دادن آنها دارد متمرکز شوند.

ما پیشنهاد می کنیم که چهار مسئولیت مهم کلیدی وجود دارد که بایستی بوسیله بخش مدیریت پورتفولیو تا ارزش پایداری برای سهامدار انجام دهد:

1) اندازه گیری و شناخت ریسک اعتبار در بین تمامی بخشهای مؤسسه

مدیریت پورتفولیو (PM) مسئولیت اندازه گیری و شناخت ریسک اعتبار را در سطح کلی و در بین تمامی فعالیتهای بانکداری به عهده دارد. معنی که ما عمدتاً در روش سازمانی مشاهده می کنیم این است که بخشهای PM اغلب نقاط ردی زیر پورتفولیوهای تعریف شده همانند وام دهی به شرکتهای بزرگ متمرکز می شوند. در حالی که تشخیص داده ایم که این کار را میتوان به عنوان اولین مرحله به سمت این مفهوم در نظر بگیریم ، در غیر این

صورت ناکارآمد و نامناسب خواهد بود و در برخی موارد حتی خطرناک هم است زیرا این وضعیت باعث شروع فعالیتهای مدیریتی بر اساس بازبینی جزئی ریسک اعتبار می گردد. ریسک اعتبار بوسیله ریسک سیستماتیک ایجاد می شود که نمی توانیم آنرا متنوع کنیم ریسک سیستماتیک در بین تمامی واحدهای سازمان گسترش یافته است. این ریسک نسبتاً عمومی تر از ریسک محلی اعتبار حاصل از همبستگی شدیداً مثبت بین مصرف کننده، وام دهی به شرکتهای کوچک و بزرگ است. بنابراین یک واحد PM نیاز به داشتن یک دیدگاه کلی راجع به ریسک اعتبار در بین تمامی واحدهای سازمان دارد. به عبارت دیگر اگر یک واحد مدیریت پورتفولیو قادر به ایجاد یک توزیع از زیان بین تمامی شرکتهای اعتباری و وامدهی نباشد که شامل تمامی موارد انشا شده مصرف کننده شرکت باشد این واحد کارش را انجام نداده است. تاریخ به ما می آموزد که در برخی مواقع تلفات عمده اعتباری ناشی از همبستگی بین منابع مختلف ریسک اعتبار درون یک بانک است. برای جلوگیری از این رویدادهای تخریب کننده ارزش، مدیران رده بالا نیاز به این دارند که

ریسک اعتبار در سطح کلی بشناسند. به عبارت دیگر، این احتمال وجود دارد که تصمیم گیری ها و استراتژیهای مدیریتی کمتر از حد بهینه بدست آید.

(2) بکارگیری مدیریت رده بالا در یک گفتگوی مداوم در یک وضعیت ریسک / پاداش پورتفولیو:

مدیریت ریسک فی النفسه ارزشی را برای سهامداران ایجاد می کند. یک مرحله مهم بعدی بکارگیری مدیران رده بالا در یک توضیح منظم از ریسک اعتبار است. این کار اهمیت زیادی دارد زیرا وضعیت ریسک اعتبار حدود 60 درصد ریسک کلی است که بانک با آن مواجه است (شکل 7) این گفتگو با مدیران رده بالا نمی تواند به گزارش ماهیانه پورتفولیو اعتبار کاهش پیدا کند. بهترین نمونه های عملی شامل بخشهایی از نوع jourfixe هستند که در آن مسئول ریسک اعتبار مدیریت رده بالا را از طریق وضعیت ریسک / پاداش پورتفولیو و ایجاد تحلیل هایی دینامیکی از سناریو هدایت می کند (مثلاً زیان کلی اعتبار مورد نظر شما اگر ...). رشد 20GDP درصد کاهش یابد نرخهای

بهره به مقدار 200 واحد در طی دو سال آینده افزایش یابد و ... بازار سهام 30 درصد

کاهش یابد چقدر است؟

بر اساس این اطلاعات ، مدیریت رده بالا و مدیریت ریسک اعتبار آنگاه می تواند گزینه

های استراتژیکی مختلف را برای تحت تأثیر قرار دادن ترکیب پورتفولیو جهت موازنه

دوباره وضعیت ریسک / پاداش توضیح دهند .

(3) شناسایی تکنیکهای مدیریتی برای حذف ناکارآمدی ها یا مخاطره عدم تعادل در

پورتفولیو.

روش های متعددی وجود دارد که از طریق آنها PM می تواند عملکرد یا موازنه مجدد

وضعیت ریسک / پاداش یک پورتفولیو را افزایش دهد. با اینحال تمامی این تکنیکها

عموماً مستلزم ابزارها و مهارتهای نسبتاً حرفه ای مدیریت ریسک اعتبار هستند . بسیاری

از تکنیکهایی که به نظر جذاب می آیند ممکن است در واقع هنگام تجزیه و تحلیل

صحیح جذاب نباشند برای مثال اعتیاد به دانستنی های مبهم CLOها که در آن برخی از

این بانکهای تجاری در انتقال ریسک واقعی به روش معنادار ناتوان هستند باعث جذب کامل و غیر قابل اجتناب از پوشش زیان اولیه و نرخهای پائین تر یا trancheهای بررسی نشده می گردد. در برخی حالات، SCLO ممکن است ریسک کلی پورتفولیو را افزایش دهند در حالی که موفق به کاهش شرایط سرمایه تعادلی شده باشند.

4) ایجاد لوپهای فیزیکی مؤثر به واحدهای آغازین.

ارتباط مدیریت پورتفولیو با سر منشأها احتمالاً باعث ترکیب مؤثرتری از پورتفولیو و پرونالیتهای جذابتری از ریسک / پاداش خواهد شد. ابتدا بخش مدیریت پورتفولیو نگاهی اساسی به گرایشات در بازار اعتبار دارد. PM عمدتاً به بهترین مواردی تجهیز شده است که می تواند اولین انحرافات در برتر شدن کیفیت اعتبار در بخشهای خاصی از اعتبار را تشخیص دهد. دوم، مدیریت پورتفولیو پاداشی که در اختیار دارد و نزدیکی به بازار توزیع می تواند در برخی مواقع خاص واحدهایی را ایجاد کند که متعهد به انجام عملیاتی گردند که حتی این عملیات منطبق با وضعیت ریسک بانکها نبوده و یا از محدوده های از قبل تنظیم

شده شرکا تجاوز کند . سوم مدیریت پورتفولیو پاداش خود با مشکلات موجود بین صنایع مختلف سروکار داشته و می تواند به انتخاب معیاری مناسب کمک کرد . و عملیات تعهد شده را تجزیه و تحلیل کند و اینکار می تواند به پائین نگه داشتن تلفات و زیانهای اعتبار کمک کند .

همان گونه که در بالا گفته شده موارد مطلوب فراوانی برای طراحی سازمانی یک بخش مدیریت پورتفولیو وجود دارد . شکل 8 سه مدل عمومی را نشان می دهد که عبارتند از : مدل مرکز هزینه ، مدل مدیریت دارایی و مدل ویژگی سرمایه گذار . هر کدام از این مدلهای سازمانی دارای نقاط قوت و ضعف خود هستند مشکل است که بتوانیم عبارتهای مناسبی برای انتخاب هر کدام از این مدلها مطرح کنیم .

مهمتر اینکه بانکها بایستی این توانمندیهای مهم را بالاترین اولویت کسب کنند . از آنجائیکه یک بخش مدیریت پورتفولیو می تواند به بانکها در دستیابی به هزینه های رقابتی

با وام و ارائه فرصتهایی برای ایجاد ارزش برای سهامداران کمک کنند و همانگونه که مادر بخش بعدی نشان خواهیم داد نیاز به این عمل وجود دارد.

همچنین یک شکاف عمیق بین نمونه های با بهترین روش و باقیمانده صفت بانکداری وجود دارد. با توجه به تأخیری که در بخش استانداردهای با بهترین شیوه وجود دارد، هیچ عملی وجود ندارد که در حال حاضر بانکها را در معرض تهدید قرار داده و باعث کاهش «افت» بیشتر موقعیت رقابتی آنها در بازار گردد.

7- ایجاد ارزش سهامداران با استفاده از مدیریت پورتفولیوی اعتبار:

در بخش بعدی ما می توانیم تا نمونه هایی را از نحوه ایجاد ارزش سهامداران با استفاده از مدیریت پورتفولیوی اعتبار نشان داده را توضیح دهیم. هدف آن است که موقعیتهای متفاوتی را ارائه کنیم که از طریق بهترین روش مدیریت پورتفولیو بجای ایجاد یک دیدگاه کامل بدست می آیند.

اندازه گیری و مدیریت ریسک اعتبار در یک سطح پورتفولیو

(شکل 9) نتایج بدست آمده به مدیریت رده بالا کمک می کند ، استفاده از سناریوهای مختلف روی زیانهای اعتبار را مورد بررسی قرار دهد . بر اساس نتایج حاصل از توزیع زیان ، آنگاه مشتری قادر خواهد بود تا یک سری فعالیتهای انتقال ریسک را برای طراحی یک توزیع زیان که بهترین انطباق را با پذیرش ریسک از طرف مدیریت رده بالا و اهداف بازدهی را دارد ؛ انجام دهد. نمودار سمت راست یک حالت واسطه به سمت این هدف را با نیاز به ریسک کمتر سرمایه به علت کوتاه تر شدن ادامه توزیع زیان نشان می دهد.

قادر ساختن مدیریت رده بالا برای بررسی گزینه های استراتژیکی با توجه به میزان پذیرش ریسک و سودآوری.

حتی در صورت ایجاد یک ابزار تخصصی اندازه گیری پورتفولیوی اعتبار ، مدیریت رده بالا بایستی با توجه به میزان پذیرش ریسک کلی تصمیماتی را اتخاذ کنند. شکل 10 ریسک سرمایه لازم برای یک مشتری را تحت سناریوهای مختلف نشان می دهد . با توجه به فواصل زمانی مطمئن انتخاب شده (یعنی انتخاب مدیریت رده بالا برای ایجاد یک «شبکه

ایمن، به فرم ریسک سرمایه) مقدار ریسک سرمایه ای بنحو قابل ملاحظه ای تغییر می کند .

مشخص است که سودآوری و بازده روی سرمایه سرمایه گذاری شده بر اساس فواصل زمانی اطمینانی می تواند بنحو چشمگیری تغییر کند در این حالت ، مدیریت پورتفولیو به مدیریت رده بالا کمک می کند تا مقادیر استراتژیکی آزادی بیشتری را برای مدیریت رده بالا ایجاد کرده و آنها را قادر می سازد تا در مورد گزینه های مهم استراتژیکی تصمیم گیری مهمتری انجام دهند استفاده از موقعیتها (فرصتها) برای متنوع سازی بین المللی:

تحلیل های مک کنیزی نشان می دهند که مزایای متنوع سازی حاصل از پراکنده ساختن ریسک اعتبار به صورت محلی ، محدود شده است . از طرف دیگر ، تحقیق ما نشان می دهد که متنوع سازی بین المللی ریسک اعتبار می تواند ریسک را به طور دائمی کاهش دهد. در حالیکه الگوهای همبستگی بین کشورهای مختلف به سختی ثابت است و در طی زمان تغییر می کنند ما کشف کردیم که در طی 20 سال گذشته ، آنها هرگز به صورت سیستماتیکی مثبت نبوده اند این یافته توسط فردی که می خواهد یک مبادله پورتفولیوی

بین‌المللی را ایجاد کند تا از این طریق به کاهش سطح ریسک پورتفولیو بنحو چشمگیری کمک کند، مورد استفاده قرار می‌گیرد (شکل 11 را مشاهده کنید). یک روش مدیریت پورتفولیو به مشتری کمک می‌کند تا این استراتژی را مشخص کرد و کمک می‌کند که PAROC مشتری بطور ثابت افزایش یابد.

ایجاد عامل (منشأ) دینامیکی و ملایم کردن اثر چرخه‌های تجاری:

در گذشته چرخه‌های دارای تأثیر قابل ملاحظه‌ای روی سودآوری مؤسسات وام‌ده داشت. با توجه به فراگیر بودن آنچه که اقتصاد نوین نام داشت این امکان وجود دارد که چرخه‌های اعتباری به نمود خود در آینده ادامه دهند. یک دلیل برای زیانهای انباشته اعتباری در حین *down cycles* ناشی از رفتار نسبتاً چرخه‌ای بانکها است که باعث بروز رفتار آنها می‌شود. البته شکل 12 از نظر ماهیت تصویری است ولی شواهد کافی موجود است که در یک انتقاد در حال پیشرفت این تمایل در بانکها وجود دارد که از طریق ریسک سرمایه‌ای که باعث جذب بیشتر ریسک اعتباری با کیفیت کمتر و تضعیف استانداردهای نوشته شده

اعتباری می شود راحت تر هستند این نوع رفتار بیشتر چرخه ای اغلب باعث گسترش بیش از حد ریسک اعتبار در پایان یک چرخه اقتصادی می شود زمانی که بهتر است آن دقیقاً معکوس عمل کند . یک روش مدیریت حرفه ای پورتفولیو که بر یک رفتار نسبتاً چرخه ای تأکید دارد ؛ در ادغام با توانمندیهای مؤثر توزیعی در بازارهای ثانویه برای ریسک اعتبار ممکن است بصورت سلاحی رقابتی با ارزش باشد که این چالشها رامشخص می کند

کمک به ارزش گذاری بهترین ریسک اعتبار:

شواهد آشکاری وجود دارد که نشان می دهند بانکهای حرفه ای می توانند از طریق گسترش مکانیسمهای قیمت گذاری اعتباری خود از عملیات پورتفولیوی بر مبنای قیمت گذاری بر مزیت‌های رقابتی دست پیدا کنند در این حالت بانکها از اهرم توانمندیهای قیمت گذاری حاشیه ای برای شناسائی فرصتهایی برای رقابت با رقبایی که خارج از رنج قیمت هستند استفاده می کند (مثلاً در حالتی که یک دارایی اعتباری اضافی وجود دارد ، متنوع

کردن پورتفولیو و تشکیل یک حالت بدون مانع برای کل پورتفولیوی اعتباری کمک می کند).

ایجاد سازمانهای جدید و افزایش فرصتها:

نمونه بیشماری وجود دارد که در آنها ابزار متخصص از این شناخت مدیریت پورتفولیوی

اعتباری برای ایجاد فرصتهایی جهت بروز مؤسسات جدید یا نسبی برای رشد آتی درآمدها

استفاده می کنند. یکی از این موارد مورگان IP است که از شناخت عالی از ریسک اعتبار

برای ایجاد موارد اعتباری جدید و محصولات با ساختار اعتباری استفاده کرده. یک نمونه

دیگر در شکل 13 نشان داده شده است این مشتری در استفاده از شناخت تخصصی از

ریسک اعتبار و مدیریت پورتفولیو برای کسب سودآوری بالاتر استفاده کرده است. با

ترکیب کردن وام ها برای استفاده از موقعیتهای مالی همراه با قیمتهای سرمایه های خیلی

کوچک، مشتری به گونه ای مدیریت کرده است که میزان قابل توجهی سودآوری را از

طریق محصولات وام دار «plain vanilla» کسب کرده است. تحلیلهای مدیریت

پورتفولیو نشان می دهند که وضعیت ریسک / پاداش پورتفولیوی مالی اهرمی شده می تواند با اضافه کردن سرمایه گذاری سرمایه های کوچک که جذابیت بیشتری همراه با ریسک حاشیه ای محدودی که به کل پورتفولیو اضافه می کند، بهبود پیدا کند.

8- نتیجه گیری و چشم انداز:

با حرکت به جلو، پرسش مهمی که مطرح می شود این است که آیا بانکها بایستی دارای بخش مدیریت پورتفولیوی اعتباری باشند بلکه این است که به چه سرعتی آنها می توانند این بخش را ایجاد کنند. مزایای چنین بخشی مشهود است و جالب توجه این است که چرا این مفهوم زودتر پذیرفته نشده است. نمونه بیمه / بیمه مجدد نشان می دهد که سایر صنایع از مزایای حاصل از تنوع سازی حرفه ای بهره جسته اند و انتقال ریسک خیلی زودتر از صفت بانکداری انجام گرفته است.

تجربه نشان می دهد که حالا یک فاصله قابل توجه بین اکثر بانکهای تخصصی و بقیه صنایع در مورد توانمندیهای مدیریت پورتفولیو ایجاد شده است. مجدداً بهترین روش مدیریت

پورتفولیو نمی تواند به گونه ای معیارگونه مطرح شود که چه مقدار CLOهای یک بانک وجود داشته باشند یا اینکه چگونه آن را در یک بازار ثانویه اعتباری فعال کنیم. حالت دوم گمراه کننده است زیرا از آنجائیکه بسیاری از بانکها از یک مسیر شروع کرده اند، یا از مسیر دیگری برای فعال بودن در این بازارها استفاده کرده و ریسک اعتبار را مبادله کرده اند، کاملاً مشکل است که منشأ ریسک اعتباری با ارزش گذاری کمتر یا غیر جذاب را مشخص و سپس بخش مدیریت پورتفولیویی داشته باشیم که آن را با زیان بیشتر به فروش برساند.

آنچه که بهترین شیوه مدیریت پورتفولیو را تشکیل داده است یک روش یکپارچه شده می باشد که تلاش می کند استراتژی (اعتبار) مدیریت رده بالا، پذیرش ریسک و اهداف بازدهی را بخدمت گرفته و ناکارآمدی پورتفولیو را به این طریق کاهش دهد. بنابراین این روش از اصل فاصله گرفته و نمونه را حفظ کرده و آن را با چهارچوب «ایجاد و توزیع» فعالیت تعویض می کند.

سطوح تعیین شده برای بدهی در ایالات متحده این پرسش را مطرح می کند که آیا تمامی مؤسسات مالی شناخت کاملی از میزان زیان اعتباری حاصل از سناریوهای اقتصادی منفی دارند. یک بخش کاملاً توسعه یافته از مدیریت پورتفولیو می تواند به مدیریت رده بالا کمک کند تا شناخت بهتری از این کاربردها و تأثیر اجتماعی سناریوهای مختلف اقتصادی ردی پورتفولیو های اعتباری خودشان داشته باشند با ایجاد اولین رده از بخش مدیریت پورتفولیو بانکها بهتر آماده می شوند تا با موقعیت در طیف پایین تری از مقیاس نرخ گذاری نقش ایفا کنند.

ما مطمئن هستیم که همگرایی بین سرمایه تنظیمی و ریسک سرمایه ای در نهایت پذیرش مدیریت پورتفولیوی اعتباری و مفاهیم مدیریتی را سرعت خواهد بخشید و شرایط جدید باسل برای کفایت سرمایه می تواند بعنوان اولین مرحله در حرکت به سمت این همگرایی در نظر گرفته شود بانکها ممکن است پیشنهاد فعلی را بعنوان اولین زنگ «بیدار باش» برای ایجاد فعالانه توانمندیهای مورد نیاز برای اندازه گیری و مدیریت پورتفولیوی اعتبار در نظر بگیرند.



این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی